**کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون**

**کتاب مقدس، دانیال نبی**

**درس شمارهٔ ۱۸**

**فصل ۲: ۳۱- ۴۰**

**آیهٔ حفظی برای ۲۳ ماه می سال ۲۰۲۴**

**کتاب مقدس، اشعیا ۴۴: ۶- ۷**

**۶ خداوند پادشاه اسرائیل و یهوه صبایوت که ولّی ایشان است چنین می‌گوید: من اوّل هستم و من آخر هستم و غیر از من خدایی نیست. ۷ و مثل من کیست که آن را اعلان کند و بیان نماید و آن را ترتیب دهد، از زمانی که قوم قدیم را برقرار نمودم. پس چیزهای آینده و آنچه را که واقع خواهد شد اعلان بنمایند.**

**آیهٔ حفظی برای ۳۰ ماه می سال ۲۰۲۴**

**کتاب مقدس، اشعیا ۴۶: ۹- ۱۰**

**۹ چیزهای اوّل را از زمان قدیم به یاد آورید. زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست. خدا هستم و نظیر من نی. ۱۰ آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرّت خویش را بجاخواهم آورد.**

**قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۲: ۳۱- ۴۰ را بخوانید.**

**۳۱ تو ای پادشاه می‌دیدی و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت و منظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد.**

**۳۲ سر این تمثال از طلای خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود.**

**۳۳ و ساقهایش از آهن و پایهایش قدری از آهن و قدری از گِل بود.**

**۳۴ و مشاهده می‌نمودی تا سنگی بدون دستها جدا شده، پایهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت.**

**۳۵ آنگاه آهن و گِل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاهِ خرمن تابستانی گردیده، باد آنها را چنان برد که جایی به جهت آنها یافت نشد. و آن‌سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پر ساخت.**

**۳۶ خواب همین است و تعبیرش را برای پادشاه بیان خواهیم نمود.**

**۳۷ ای پادشاه، تو پادشاه پادشاهان هستی زیرا خدای آسمانها سلطنت و اقتدار و قوّت و حشمت به تو داده است.**

**۳۸ و در هر جایی که بنی‌آدم سکونت دارند، حیوانات صحرا و مرغان هوا را به دست تو تسلیم نموده و تو را بر جمیع آنها مسلّط گردانیده است. آن سَرِ طلا تو هستی.**

**۳۹ و بعد از تو سلطنتی دیگر پست‌تر از تو خواهد برخاست و سلطنت سوّمی دیگر از برنج که بر تمامی جهان سلطنت خواهد نمود.**

**۴۰ و سلطنت چهارم مثل آهن قوی خواهد بود زیرا آهن همه چیز را خرد و نرم می‌سازد. پس چنانکه آهن همه چیز را نرم می‌کند، همچنان آن نیز خرد و نرم خواهد ساخت.**

**دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.**

**مقدمه: در جلسات گذشته خواندیدم که فصل دوم کتاب دانیال ۳۰ تا آیهٔ اول را می شود به دو قسمت تقسیم کرد. از آیهٔ ۱ تا آخر ۱۳ نبوکدنصر خوابی می بیند در مورد آینده حکومتش و آینده جهان، که جزئیاتش را فراموش می کند. می شود اسم این قسمت را گذاشت خواب فراموش شده. و سپس در آیات ۱۴ الی ۳۰ دانیال فراموش نشدنی را می بینیم.**

**نبوکد نصر حکیمان دربارش را فرامی خواند تا مشکل او را حل کنند. ولی برای مطمئن شدن از صحت تعبیر کارشناسانش، چالشی سخت در مقابلشان می گذارد. نبوکد نصر می گوید: هم باید خواب را به من بگوئید و هم تعبیرش را. و گرنه می فهمم که می خواهید به من دروغ بگوئید و همه تان را می کشم.**

**و دیدیم که حکیمان دربار نبوکد نصر مجبور می شوند که به عجز خود در انجام فرمان نبوکدنصر اعتراف کنند و بگویند که فقط یک موجود ماوراء طبیعی می تواند جزئیات یک خواب فراموش شده کس**

**دیگری را بیان کند و تعبیر درستش را هم بگوئید. و این اعتراف به عجز حکیمان دربار، صحنه را برای آمدن دانیال دقیقا بر طبق نقشهٔ خدا آماده می سازد.**

**دانیال اول در آیات ۳۱ الی ۳۵ خوابی را نبوکد نصر دیده بود را دقیقا به او می گوید. چند نکته را می توانیم از بازگوئی دانیال در مورد خوابی که نبوکد نصر دیده بود، دست چین کنیم:**

**۱- دانیال به نبوکد نصر می گوید که تو در خوابت پیکره عظیم انسانی را دیدی که از فلزات مختلف بود و می درخشید.**

**۲- وقتی شما از سر تا به کف پای پیکره را نظاره می کنید می بینید که از ارزش فلزات کاسته می شود.**

**۳- همچنین، همانطور که از سر پیکره به کف پای پیکره می روید، از وزن مخصوص این فلزات کاسته می شود. وزن مخصوص نسبت وزن یک ماده است به حجمش. طلا از نقره سنگین تر است، نقره از برنز، برنز از آهن، و آهن از سفال. کف پاها و انگشتان پاها که از سفال اند، شکننده اند. یعنی جهان درست پیش از بازگشت مسیح، که کنترلش در دست حکومتهای غیر یهودی است، وضعیت اش بی ثبات و شکننده و رو به انزوال است تا زمان بازگشت مسیح. و این دقیقا شرایط زمانهٔ ما را توصیف می کند.**

**۴- سپس، ویرانی این پیکره است که در ایات ۳۴- ۳۵ می خوانیم. سنگی از آسمان، بدون دستها جدا شده، یعنی منشاء آن انسانی نیست، الهی است، به پاهای آن پیکره می خورد و آن پیکره را خرد می سازد، بزرگ شده تمام جهان را در بر می گیرد و آن پیکره خرد شده و مثل گرد و غبار به باد میرود. حالا می رسیم به تعبیر و تفسیر این خواب از زبان دانیال و با الهام خدا.**

**در ایات ۳۶ الی ۴۵ می شود پنج قدرت جهانی را تشخیص داد. دانیال تمامی خواب نبوکد نصر را مو به مو، دقیق برای او بازگفت و برای همین است که من قویا فکر می کنم، نبوکد نصر شگفت زده در سکوت کامل است و به دانیال گوش می دهد و بعد دانیال شروع می کند به تعبیر خواب.**

**در جلسهٔ گذشته به تفصیل ومطالعه کردیم که دانیال اعلام می کند با الهام روح پاک خدا که آن سر طلا خود نبوکد نصر است. این اولین امپراطوری جهان بود که به قدرت رسید و دانیال سقوط آن را تقریبا ۷۰ سال قبل از وقوع آن پیشگوئی می کند.**

**سپس دیدیم که دانیال امپراطوری دوم را مشخص می کند توسط سینه و بازوهایش از نقره آن پیکره مجسم شده است و آن امپرطوری ایران است و دلایلش را هم گفتیم.**

**مطالعه امروز: حالا می رسیم به امپراطوری سوم یعنی یونان. آیهٔ ۳۹ می فرماید: و سلطنت سوّمی دیگر از برنج (یا برنز) که بر تمامی جهان سلطنت خواهد نمود. و ایهٔ ۳۲ نیز به ما می گوید که این امپراطوری سوم توسط شکم و رانهای آن پیکره که از برنج می بود نماینگر شده است.**

**یعنی همانطور که از سر پیکره به پائین می رویم، داریم در طول تاریخ به جلو می رویم، سومین قدرت بزرگ جهان که جای امپراطوری ایران را می گیرد امپراطوری یونان بود تحت رهبری اسکندر مقدونی. اسکندر در سن ۱۶ سالگی پس از آنکه پدرش، فیلیپوس دوم به قتل رسید، در سال ۳۳۵ پیش از میلاد به تخت سلطنت مقدونیه رسید. در سال ۳۳۴ پیش از میلاد به ایران که تحت امپراطوری سلسلهٔ هخامنشی بود حمله می کند. در طول نبردهای که ده سال بطول می کشد ایران و منطقهٔ آسیای صغیر را فتح می کند.**

**پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، امپراطوری اش بین چهار سردارش تقسیم می شود: سلوقوس اول، سلسلهٔ سلوکیه را تاسیس می کند که بر ایران، افغانستان، پاکستان و سوریه امروزی سلطنت می کردند، بطلمیوس اول، سلسلهٔ بطلمیوس را بر مصر تاسیس می کند، آنتیگونوس اول، سلسلهٔ پرغاموس بر منطقهٔ غربی ترکیهٔ امروزی تاسیس می کند و کاساندر بر قسمت مقدونیه و جنوب یونان حکمرانی می کرد. دانستن تقسیم امپراطوری اسکندر به چهار قسمت در درک فصلهای بعدی کتاب دانیال لازم خواهد آمد.**

**دقت کنید که در دانیال فصل ۲، در خواب نبوکد نصر، قسمت امپراطوری یونان با فلز برنج یا برنز نماینگر شده است. و این بی دلیل نیست. سربازان یونانی در تحت فرماندهی اسکندر کلاهخود، و سپر و زره و شمشیرشان از برنز بود. نویسندگان باستان به آنها به عنوان سربازان برنز پوش یونانی اشاره می کردند. بدین علت برنز سمبل کشورگشائی و خود امپراطوری یونان می شود. بدین علت است که در خواب نبوکد نصر هم قسمت یونان با برنز مجسم شده است.**

**بابل با طلا چون مشغلهٔ بابلیان با طلا بود، ایران با نقره بخاطر استفادهٔ گسترده از نقره در ایران و یونان با برنز بخاطر استفاده از برنز در ارتش یونان تحت اسکندر.**

**دقت کنید، آیهٔ ۳۹ می فرماید که این امپراطوری سوم، بر تمامی جهان سلطنت خواهد نمود. و در واقع، تا سن سی سالگی اسکندر، که در آن زمان وفات یافت، او توانسته بود از اروپا تا مصر، تا آسیای صغیر، ایران و افغانستان و قسمتهای از هندوستان را تصرف کند. در واقع تمامی جهان شناخته شده آن زمان را فتح نموده بود.**

**و دقت کنید، اسکندر در سال ۳۲۴ پیش از میلاد ایران را کاملا فتح می کند. یعنی باز در مقطعی که دانیال دارد این پیشگوئی را می کند، یعنی سال ۶۰۳ پیش از میلاد، ۲۷۹ سال پیش از سقوط ایران به دست اسکندر، دانیال دقیقا این پیشگوئی را با الهام روح القدس اعلام می کند. و دقیقا پیشگوئی می نمائید که چه نوع قدرتی بجای امپراطوری ایران خواهد آمد. باز هم این حقانیت کتاب مقدس را در میان صدها دلایل دیگر ثابت می کند.**

**در جلسهٔ بعدی می رسیم به امپراطوری چهارم یعنی روم.**